

روشن مثل عشق

تاریک مثل مرگ

«برنده‌ی جایزه‌ی تورگنی سگرسند سوئد»

محمد اوزون

مترجم

رضا کریم مجاور



۱۳۹۷



ebook at azbook.com

سرشناسه	:	اوزون، محمد، ۱۹۵۳-۲۰۰۷ م.
عنوان و نام پدیدآور	:	روشن مثل عشق تاریک مثل مرگ / احمد اوزون؛ مترجم رضا کریم‌مهر.
مشخصات نشر	:	تهران: افراز، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۳۱۳ ص.
شابک	:	978-600-326-245-4
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	داستان‌های کُردی -- ترکیه -- قرن ۲۰ م.
موضوع	:	Kurdish fiction -- Turkey -- 20th century
شناسه افزوده	:	کریم‌مجاور، رضا، ۱۳۵۷-، مترجم
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۵ ۸۹/الف ۶۹۰/۸/۶۹۰ Pk
رده بندی دیویی	:	۸۹۱/۵۹۷۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۴۹۴۵۶۴



انتشارات افراز

دفتر مرکزی: روش: خیابان دانشگاه، پایین تر از جمهوری، کوچه دانا، پلاک ۱۲ | تلفن: ۶۶۴۰۱۵۸۵-۶۶۴۰۱۵۸۵-۶۶۴۰۱۵۸۵-۶۶۴۰۱۵۸۵

مرکز پخش: ۶۶۴۰۱۵۸۵-۶۶۴۰۱۵۸۵-۶۶۴۰۱۵۸۵-۶۶۴۰۱۵۸۵

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com - ebook.afrazbook.com

روشنی عشق تاریک مثل مرگ

روزن

مترجم: مهنا کریم مجری

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

طراحی جلد: یاسین محمدی / سیه افراز

صفحه آرایی: افسانه حسن بیگی / آتلیه افراز

چاپ / صحافی: دوستان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله، چاپ،

فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست

۹		دیباچه
۱۷		مرگ
۳۷		کوچ
۵۳		تولد
۷۳		عروسی
۸۷		ایبی
۹۷		شب
۱۱۵		بیگانگی
۱۳۹		مردد
۱۵۹		خواب
۱۷۹		خون
۲۰۹		هراس
۲۲۳		درد
۲۳۹		نگاه
۲۵۷		خاطره
۲۸۳		سفر
۲۹۳		نور
۳۰۷		مرگ

محمد اوزون در سال ۱۹۵۰ در شهر سیورک از توابع اورفا واقع در کردستان ترکیه است. او پس از پایان دوران دبیرستان برای ادامه‌ی تحصیل به آنکارا رفت. اگرچه نوشتن به زبان کردی در دهه‌ی ۱۹۲۰ تا ۱۹۹۰ در ترکیه ممنوع بود، ولی او به این زبان می‌نوشت. نخستین رمان کردی خود را سال ۱۹۸۵ منتشر کرد. او در سال ۱۹۷۲ به دلیل فعالیت‌های سیاسی و نوشتن به زبان مادری، دستگیر و به دو سال زندان محکوم شد. اوزون برای بار دوم به خاطر انتشار نشریه‌ی رزگاری (آزادی) هشت ماه زندانی شد. سال ۱۹۷۱ به کشور سوئد رفت و تا سال ۲۰۰۵ به عنوان پناهنده‌ی سیاسی در آنجا ماندگار شد. اوزون در آنجا هفت رمان به زبان کردی منتشر کرد و درواقع او را باید مدرن‌ترین و فعال‌ترین نویسنده‌ی کرد کردستان ترکیه به شمار آورد. رمان‌های منتشرشده‌ی او عبارتند از: تو (۱۹۸۵)، مرگ جنتمن پیر (۱۹۸۷)، سایه‌ی عشق (۱۹۸۹)، دهری از روزهای عودال زینک (۱۹۹۱)، چاه سرنوشت (۱۹۹۵)، روشن مثل عشق، تاریک مثل مرگ (۱۹۹۸) و فریاد دجله (۲۰۰۳).

۱. در نگارش این دیپاچه از کتاب «از رمان تا ملت، نوشته‌ی دکتر هاشم احمدزاده، ترجمه‌ی دکتر بهخیار سجادی، انتشارات دانشگاه کردستان» بهره برده‌ام.

او به خاطر جادوی قلم و روایت قدرتمند و اعتقاد بی‌پروا و نیرومند به قدرت کلمه در سال ۲۰۰۱ برنده‌ی جایزه‌ی *Torgny Segerstedt* سوئد شد.

سال ۲۰۰۱ دادگاه امنیت دولتی شهر دیاربکر محمد اوزون را به محاکمه فراخواند. در محاکمه‌ی او بسیاری از چهره‌های ادبی برجسته از جمله یاشار کمال و اورهان پاموک حضور داشتند و از وی دفاع کردند و در نتیجه‌ی همین دفاعیات و نیز فشارهای بین‌المللی اوزون از اتهامات وارده تبرئه شد.

در سال ۲۰۰۶ معلوم شد که محمد اوزون دچار بیماری سرطان شده است. او برای درمان به بیمارستان دانشگاه کارولینسکا استکهلم رفت. مدتی بعد دوباره به ترکیه برگشت. در شهر دیاربکر اقامت گزید، اما سرطان او را رها نکرد و چندی بعد در سال ۲۰۰۷ درگذشت.

روشن مثل عشق، تاریک مثل مرگ که ششمین رمان محمد اوزون است، در سال ۲۰۰۰ به زبان ترکی ترجمه شد و در طول همان سال یازده بار تجدید چاپ شد و بعد از آن از سوی دولت وقت ته‌تیب گردید.

داستان از زاویه‌ی دید سوم‌شخص روایت می‌شود، البته گاه نویسنده خود شخصاً در داستان حضور می‌یابد (مثلاً در فصل بی‌هفتم و شانزدهم) و با شخصیت‌های داستانش به گفتگو می‌نشیند و بخشی از روایت را به شکل اول‌شخص پیش می‌برد، که این خود خصوصیتی پسامدرنیسم است. رمان با مرگ (مرگ اولین شخصیت اصلی، یعنی کبوتر) آغاز می‌شود و با مرگ (مرگ دومین شخصیت اصلی، یعنی باز) به پایان می‌رسد؛ و در این میان تنها عشق است که می‌ماند.

نویسنده/اروی نام‌برده در داستان، یکی از چهار نویسنده‌ی اروپایی است که برای دیدار با نویسنده‌ای در سرزمین بزرگ و شرکت در جلسه‌ی دادگاهی او (به‌خاطر عقاید و کتاب‌هایش) به سرزمین بزرگ آمده و همان‌جا با رفتن به کنسرت یک خواننده‌ی معروف، یکی از شخصیت‌های داستانش (به‌نام کووک یا همان کبوتر) را می‌بیند و با او صحبت می‌کند.

بر اساس روایت این رمان، شخصیتی به نام ژنرال سردار^۱ علیه حکومت مرکزی دست به کودتا می‌زند و خود رهبری کشور (سرزمین بزرگ) را در دست می‌گیرد. مردم سرزمین کوهستان نیز که از نظر زبان و فرهنگ با مردم سرزمین بزرگ تفاوت دارند، خواستار آزادی خواندن و نوشتن به زبان خود و به رسمیت شناخته شدن آداب و رسومشان از سوی حکومت سرزمین بزرگ هستند، اما آن‌ها به سیاست خشونت و انکار متوسل می‌شوند، در نتیجه بین این دو ملت جنگ‌های بی‌پایان می‌گیرد. باز که یکی از افسران ارتش سرزمین بزرگ است، در حدود بیست‌سالگی شاهد تولد دختری به نام کووک (کبوتر) در سرزمین کوهستان است. دختری که بعدها به جمع چریک‌های شورشی می‌پیوندد. باز عملیات بیرون‌راندن اجباری گروهی از مهاجرین بی‌فایده را از سرزمین کوهستان به جنوب سرزمین بزرگ برعهده دارد. کبوتر همان‌جا با ورود والدینش به شهر جدید در تبعید متولد می‌شود. سپس باز فرستاده‌ی بانفوذ و ترسناک ارتش در سرزمین کوهستان می‌شود؛ یعنی همان‌جایی که سرکش علیه سرزن بزرگ جریان دارد. کبوتر بعدها در دانشگاه آنکارا به تحصیل در رشته‌ی زبان و ادبیات فرانسوی می‌پردازد و در همان دوران عاشق پسر جوانی به نام ژیر (خودمند، باهوش) می‌شود. در آن روزها ژیر برای دفاع از حق ملت بی‌دفاعش به چریک‌های سرزمین کوهستان می‌پیوندد و کبوتر هم به امید یافتن او در پی‌اش می‌رود و همان‌جا در میان شورشیان می‌ماند. او پس از گذراندن دوره‌ی آموزش مهارت‌های چریک‌ها، طی یک عملیات، زخمی و دستگیر می‌شود و به اسارت نیروهای باز درمی‌آید. باز آنکه بداند که این دختر همان نوزادی است که بیست سال پیش شاهد تولدش بوده است، هر چند وقت یک بار از او بازجویی می‌کند تا بلکه کبوتر محل دقیق اختفای نیروهای سرزمین کوهستان را به او بگوید. کبوتر مدت دو ماه در برابر

۱- ژنرال سردار کتابه از ژنرال جمال گورسل (Cemal Gursel) است که در سال ۱۹۶۰ علیه جلال بایار رئیس‌جمهور و رهبر حزب دموکرات ترکیه کودتای نظامی کرد. شاید هم اشاره‌ای به ژنرال کنعان اورن (Kenan Evren) و کودتای نظامی او در سال ۱۹۸۰ دارد.

سخت‌ترین شکنجه‌ها مقاومت می‌کند؛ بعد به این گمان که حالا دیگر هم‌زمان او مکان خود را تغییر داده‌اند، جای آن‌ها را لوم می‌دهد. در نتیجه شش نفر از مبارزان سرزمین کوهستان دستگیر می‌شوند. اکنون دیگر باز کم‌کم تحت تأثیر دانش ادبی و اشعار و آوازهای او که به زبان مادری است، قرار می‌گیرد و از طرفی چون پیش‌تر ازدواج ناموفق هم داشته و از نظر روحی در وضعیتی بحرانی به سر می‌رسد، بی‌اختیار به کبوتر علاقمند می‌شود. همین مسائل عاطفی باعث می‌شود تا باز در نشستی که با مقامات مهم نظامی و از جمله سردار ژنرال در پایتخت دارد، تردید خود را از مردم سرزمین کوهستان بر زبان بیاورد. مقامات که از حقیقت ماجرا اجبر می‌شوند، به او دستور می‌دهند که بی‌درنگ کبوتر را برای اعدام تحویل مقامات ده‌بالا بدهد. در همان روزها باز در حال ملاقات افسری است که گمان می‌کند او پزشک است؛ اما در کمال ناباوری متوجه می‌شود که این افسر هیچ نسبتی با او ندارد؛ بلکه از خود از مردم سرزمین کوهستان است و والدینش را در حمله‌ی ارتش به ده‌سالگی از دست داده و این افسر ارتش سرپرستی او را برعهده گرفته است. افسری که بعد با او را به یتیم‌خانه و سپس به دانشکده‌ی افسری در پایتخت سرزمین بزرگ می‌فرستد و رهاش می‌کند.

باز که از این حقیقت‌های تلخ و دلخراش آگاه می‌شود، به شدت دگرگون می‌شود و از کرده‌هایش احساس پشیمانی می‌کند و تصمیم می‌گیرد با کبوتر فرار کند. آن‌دو خود را در ویلایی ساحلی مخفی می‌کنند و سعی می‌کنند گذرنامه‌هایی برای خروج از مرز کشور دست‌وپا کنند؛ اما در کمین نیروهای سرزمین بزرگ می‌افتند و سپس تیرباران می‌شوند.

بی‌شک رمان محمد اوزون اشاره به شرایط و روزگار خاص کرده‌های ترکیه و مشکلات دیرینه‌ی آن‌ها با حکومت مرکزی دارد؛ زیرا در آن روزها (درست مثل زمان دیکتاتوری پهلوی در ایران) نوشتن به زبان کردی در ترکیه ممنوع بود. حتا مسأله‌ی دادگاهی نویسنده‌ای که در متن رمان آمده، اشاره به دادگاهی شخص محمد اوزون و نویسندگان و روشنفکران آزادیخواه دیگر در بیدادگاه‌های رژیم

لایک ترکیه دارد. رژیمی که در طول ده‌ها سال، سعی داشته به زور خشونت و با عنوان‌های ناپسندی همچون تُرک کوهی و یا تُرک وحشی، هویت کردهای سرزمینش را انکار و نابود کند، اما همچنان که باز هم به این موضوع اشاره دارد، هرگز نمی‌توان آوازه‌ها و قصه‌های یک ملت را از راه عملیات نظامی نابود کرد. حکومت تمامیت‌خواهی که نه تنها کردهای آزادیخواه کشورش را به زندان‌ها و شکنجه‌ها محکوم می‌کند، بلکه بارها تُرک‌تبارهای روشنفکر و عدالت‌خواه خود را نیز به خاطر دفاع از حقوق پایمال‌شده‌ی کردهای هم‌میهن، روانه‌ی زندان کرده است. کسانی هم چون اسماعیل بیشکچی روزنامه‌نگار روشنفکر تُرک که بارها به زندان محکوم شده است. یا شارکمال نیز نویسنده‌ی معروف کرد که همه‌ی رمان‌هایش را به زبان تُرکی نوشته، در سال ۱۹۹۶ به دلیل انتقاد از رفتار خشن دولت ترکیه برای سرکردن اعتراضات نواحی کردنشین، به بیست ماه حبس تعلیقی محکوم شد.

در چند سال اخیر تنش بین کُرد و حکومت مرکزی کمابیش رو به کاهش گذاشته بود که فشارهای اتحادیه‌ی اروپا هم در این مورد بی‌تأثیر نبود. اگرچه خود حکومت ترکیه هم به این نتیجه رسیده که در روزگار مدرن و پسامدرن، دیگر نمی‌توان از راه خشونت به صلح و آشتی رسید. کُرد هم دارد از راه برخورد‌های مدنی با کردهای کشورش کنار می‌آید. هرچند که ظهور گروه‌های تندروی همچون داعش و گروهک‌های دیگری از این دست، بسیاری از معادلات کُرد-تُرک را در منطقه به هم ریخته و طی یک سال گذشته، دوباره تنش میان کردها و حکومت مرکزی ترکیه را بیشتر کرده است.

رضا کریم مجاور

۱۳۹۵/۱۰/۴

بوکان